

بحث ما در ادله وجوب تعیینی صلاة جمعه مطلقاً بود به آیه شریفه سوره جمعه یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كُثْمٍ تَعْلَمُونَ (۹) استشهاد کردیم و تقریب به استدلال به آیه این بود که عرض شد اذا ، ۱- اذا ظرفیه زمانیه است ۲- نودی به معنی دخول وقت ۳- ذکر به معنی صلاة است یا یشمل الصلاة است بنابراین

آیه دلالت دارد به مجرد دخول وقت همه باید سعی به الصلاة کنند معنی سعی به صلاة یعنی باید اقامه کنند نماز را ، سعی یعنی اقامتها و مقدمات اقامه صلاة ، مرحوم خوئی ره نه پذیرفتند دلالت آیه را ، و ایراد دارند به دلالت آیه بر وجوب تعیینی تقریبی که به رد استدلال به آیه برای اثبات وجوب تعیینی دارند این است که گفتیم ، اذا را ایشان ، اذای شرطیه می گیرند و می فرمایند ، بنابراین مقصود این است ، نودی در این جا به معنی اقامه الصلاة است ، فاسعوا الی ذکر الله نتیجه این که اگر نماز اقامه شد نماز جمعه به

شرائطها، آنوقت وجوب حضور ثابت است به دلالت این آیه ، لکن دلالت بر وجوب اقامه ندارد ، بلکه اگر اقامه شده به شرائطها آن وقت حضور واجب است ، اما این که واجب باشد اقامه نماز جمعه دلالت ندارد بل که دلالت بر عدم وجوب اقامه دارد ، چون مفهوم إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ یعنی ان لم یناد ، لم یناد هم یعنی ، اذا لم تقم صلاة الجمعة لاتبج الحضور، پس نه تنها دال بر وجوب تعیینی صلاة

الجمعه نیست، دال بر عدم وجوب تعیینی صلاة الجمعة جمعه است یرد بر استدلال خوئی ره اولاً این که مقصود به نداء اذان است و نداء کنایه از اذان و اذان هم کنایه از دخول وقت، پس اذا زمانیه است نه شرطیه ، اذا یعنی اذا دخل الوقت ، یدل بر این ادعا ، که البته ما ادعا را ما قبلاً مطرح کردیم ، دیگر معطل توضیح مطلب نمی شویم ، دلیل بر این ادعا ، دلیل بر این که اذا این جا اذا شرطیه نیست، و در آیه اصولاً تعلیقی نیست ، به معنی تعلیق شرطی نیست ، اولاً تعلیقی که مرحوم خوئی ادعا فرمودند غیر معقول است ، چون معنی تعلیق این است که اگر نماز اقامه شد إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا یعنی اگر نماز اقامه شد ، پس سعی واجب است ، این نداء در این جا قطعاً مقصود از این نداء باید اذان باشد ولو ایشان از این اذان اقامه می فهمند ، در این جا نداء ولو نداء به تلازم معنی اقامه را به فهماند ، اما نداء این جا آمده ، اذا

نودی فاسعوا معنی اش این است که وجوب سعی لصلاة الجمعة معلق بر نداء است یعنی ان نودی تجب الاقامة ان لم يناد لا تجب ، خود نداء که اقامه نیست ، حالا ایشان از نداء اقامه می فهمند ، به می فهمد ، نداء اذان است ، یا نداء دعوت به حضور است ، که همان اذان مراد است ، معنی اذا شرطیه این است که اگر اذان گفتند اگر نداء شد ، تجب الجمعة اگر نداء نشد لا تجب الجمعة ، این جا تعلیق وجوب اقامه جمعه بر نداء ، تعلیق وجوب ذی المقدمه است بر مقدمه ، مثل این که اگر بالای پشت بام رفتی آن وقت نردبام به گذار معنی اش این می شود ، اذا نودی لصلاة فاسعوا یعنی اگر اذان گفته شد چون اذان گفته می شود اقامه صلاة واجب است ، در حالی که ، وجوب نداء متفرّع وجوب اقامه صلاة است ، نداء را به هر معنی به گیرید ، وجوب نداء متفرع بر وجوب اقامه است ، اگر اقامه واجب نباشد که نداء واجب نیست شما نداء را این جا شرط قرار داده اید شرط وجوب الاقامة الصلاة النداء اليها ، خیلی معنی ناجوری می شود شرط وجوب اقامه جمعه ، نداء است ، در حالی که قضیه معکوس است ، ان وجبت الاقامة وجب النداء لها اشکال دوم یعنی دلیل دوم بر این که اذا این جا شرطی نیست ، اشکال دوم این است که لاشک که نداء معنی حقیقی اش این جا مقصود نیست معنی کنایی اش مقصود است ، ولی آیا کنایه ی از دخول وقت است بنابراینچه ما ادعا می کنیم یا کنایه از اقامه الصلاة است ، آن چه سازگار با فرمایش خوئی ره است شق دوم است که نداء کنایه از اقامه الصلاة باشد در حالی که این تکنیه خلاف ظاهر است و ظاهر آن است که نداء کنایه از دخول وقت باشد دلیل ما اولاً آنچه مقارنت و ملازمت دارد با نداء ، دخول وقت است نه اقامه صلاة و اقامه صلاة معمولاً با یک فاصله معتابه ی از نداء متحقق می شود هیچ گاه به مجرد نداء صلاة اقامه نمی شود ، نداء تمام می شود ، طبق روایت مقداری امام جمعه منتظر می ماند تا بیایند ، بعد اقامه صلاة متحقق می شود ، در حالی که دخول وقت با نداء کاملاً مقارن است معمولاً نداء یقترن به اول دخول وقت است ، این وجه تناسب اولی است که موجب می شود نداء کنایه از دخول وقت باشد وجه اول التصاق بین نداء و دخول وقت وجود دارد که این التصاق و ، این هم زمانی و هم پیدایی تنها ، بین اذان و دخول وقت بر قرار است نه بین اذان و اقامه صلاة ،

۲- این که تکنیه به اذان و یا نداء از دخول وقت در عرف متشرعه متعارف است و این شیوع تکنیه به نداء از دخول وقت در عرف متشرعه حاکی از این است که این تکنیه در عرف مقبول بوده و این موید

کنایی بودن اذان نودی از دخول وقت است لذا می بینیم در عرف متشرعه حتی روایات هم نشان دهنده این است از قدیم این عرف رایج بوده که از دخول وقت به اذان تعبیر می کردند ، گاهی از ما می خواهند سوال کنند که وقت داخل شده نمی پرسند وقت داخل شده یا نه؟ می پرسند اذان ظهر را گفته اند؟ وقت اذان ظهر است ؟ حتی وقت به اذان ظهر اضافه می کنند ، اذان شده ؟ این متعارف همه متشرعه است این عرف حاکی از عرف شارع است و موید این است که نداء کنایه دخول وقت است نه از اقامه ، دلیل سوم براین که نداء کنایه از دخول وقت است روایات تاریخی است که آمده به عنوان نمونه آنچه در مجمع البیان آمده نقل می کنیم ، که البته مجمع البیان از سایر منابع تاریخی نقل کرده است ، در تفسیر آیه چنین می گوید

، ثم خاطب سبحانه المؤمنين فقال «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تُدِىَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» أَي إِذَا أُذِّنَ لصلَاة الجمعة و ذلك إِذا جلس الإمام علي المنبر يوم الجمعة و ذلك لأنه لم يكن علي عهد رسول الله ص نداء سواه قال السائب بن زيد كان لرسول الله ص مؤذن واحد بلال فكان إِذا جلس علي المنبر أذن علي باب المسجد فإذا نزل أقام للصلاة ثم كان أبو بكر و عمر كذلك حتى إِذا كان عثمان و كثر الناس و تباعدت المنازل زاد أذانا فأمر بالتأذين الأول علي سطح دار له بالسوق و يقال له الزوراء و كان يؤذن له عليها فإذا جلس عثمان علي المنبر أذن مؤذنه فإذا نزل أقام للصلاة فلم يعب ذلك عليه و قال ايضا و في هذه الآية دلالة علي وجوب الجمعة و في تحريم جميع التصرفات عند سماع أذان الجمعة لأن البيع إنما خص بالنهاى عنه لكونه من أعم التصرفات في أسباب المعاش

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۴۳۵

، اول نداء را بر اذن حمل می کند بعد شاهد می آورد ، اذانی جز اذانی که برای اصل نماز جمعه گفته می شده ، اذانی نه بوده، وقت دخول منبر بوده حضرت می نشسته سر منبر، اگر نزل مؤذن که بلال باشد ، عثمان یک اذان دیگری اضافه کرد، در بازار خانه ای داشت که اسم خانه زورا بود گفت در پشت بامش اذان به گویند ، مؤذن داخلی اذان می گفت ایرادی هم بر او نگرفتند ،

از آنچه عرض کردیم معلوم می شود مردم هم از اذان دخول وقت صلاة را می فهمیدند که تا اذان برقرار می شده می فهمیدند که وقت داخل شده لذا عثمان کسی را در بازار گذاشته بود که اذان اعلام را به گوید، اذان اعلام دخول وقت ، که وقت داخل شده پس بیاوید و نماز شرکت کنید که بعد از اذان سوق، مؤذن

خودش در مسجد اذان می‌گفته، چون آن اذان سوق که اذان صلاة نبوده، اذان صلاة در مسجد بوده، اذان سوق اذان دخول وقت بوده، قبل وقت که اذان نمی‌گفتند، عند دخول وقت اذان سوق را می‌گفتند بعد اذان صلاة را می‌گفتند

از این جریان اذان اعلام و اذان صلاة از هم تفکیک نداشتیم قبل از این ما دو تا اذان نداشتیم که اذان یکی باشد اذان صلاهی دیگری، قبلاً مؤذن که اذان می‌گفت، امام اقامه می‌خواند و نماز را اقامه می‌کرد، از این تاریخ اذان وقت و صلاة دو تا شد،

مردم چه می‌فهمیدند از آیه نودی؟ می‌فهمیدند که اگر مردم از آیه اذان نودی وجوب سعی نمی‌فهمیدند، عثمان این کار نمی‌کرد، چرا عثمان اذان را وسط سوق گذاشت، که تا مردم اذان می‌شنوند دیگر بیع تعطیل شود از اذان سوق، اگر اذان نودی اصلاً معنی اش این نبود عثمان داعی نداشت این کار را به کند، پس کاری که عثمان کرد می‌فهمیم که عرف متشرعه چنین می‌فهمید اذان دخول الوقت اترک البیع، اذان نودی معنی اش در صدر اسلام این بوده که اگر نداء برپا باشد که نداء، نداء دخول وقتی است یحرم البیع و یجب السعی الی ذکر الله ما می‌خواهیم از این جریان تاریخی استفاده کنیم که بنابراین از آیه معاصرین عصر رسول اکرم ص و مسلمین صدر اسلام همین را می‌فهمیدند اذان دخول الوقت الصلاة حرم البیع و وجب السعی لصلاة الجمعة و این حادثه تاریخی این را می‌رساند، و این مطالب را استفاده کنیم از این حادثه تاریخی

۱- اذان سوق باید اذان دخول وقت باشد به دلیل این که معنی ندارد قبل دخول وقت باشد، معنی ندارد خلیفه به گوید قبل وقت باشد و دیگر این که اذانی بوده که مردم بیایند نماز جمعه، باید دال بر وجوب حضور باشد، از اذان دخول وقت، مردم می‌فهمیدند وجوب حضور را و وجوب سعی الی الصلاة را و وجوب ترک، و حرمت بیع را عثمان این دستور داده اگر این استفاده را کنار بگذارید وجهی برای این دستور دیده نمی‌شود این دستور حاکی از چنین فهمی است این قرینه سوم بر این که اذان نودی این جا مراد اذان دخول الوقت است و نودی به معنی دخول وقت است و، اذان ظرفیه زمانیه است

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

http://\zokr.com

Copyright © \Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است